

المجدد الذي يحفظ الدين من التحريف [438]: فرد تجدیدکننده‌ای که دین را از تحریف باز

می‌دارد [439]

وحتى يجدد شخص الدين ويعيد الحق فيه إلى مواضعه ويدفع عنه التحريف لابد أن يكون متصلاً بالله، حتى يعرفه الله مواضع التصحيح والتجديد، وإلا فهو محرف كغيره من المحرفين للدين لا أكثر.

برای این که فردی دین را تجدید نماید و حق دین را به جایگاهش بازگرداند و تحریف را از آن برطرف نماید، باید به خداوند متصل باشد تا خداوند به او، جایگاه‌های تصحیح و تجدید را بفهماند؛ وگرنه او تحریف‌کننده‌ای است مانند دیگر تحریف‌کنندگان دین، نه بیشتر.

ومن الأحاديث الصحيحة المشهورة عند السنة ما يرويه أبو هريرة عن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ:

از جمله‌ی احادیث مشهور نزد اهل سنت، روایتی است که ابوهریره از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌و سلم روایت می‌کند که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ يَبْعُثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ سَنَةٍ مِنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا» [440].

(خداوند برای این امت در هر صد سالی، فردی را می‌فرستد که دینش را

تجدید نماید). [441]

[438]. روي في تفسير العياشي: (عن جابر عن أبي جعفر) عليه السلام (قال سألته عن تفسير هذه الآية: "لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ" قال: تفسيرها بالباطن أن لكل قرن من هذه الأمة رسولا من آل محمد يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، وهم الأولياء وهم الرسل، وأما قوله: "فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ" قال: معناه إن الرسل يقضون بالقسط وهم لا يظلمون كما قال الله).

[439]. در تفسیر عیاشی روایت شده است که جابر گوید: از امام باقر(ع) در مورد تفسیر این آیه: ((و هر امتی را فرستاده‌ای است. پس چون فرستاده‌شان بیاید، میان‌شان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود)) (یونس، ۴۷). پرسیدم. ایشان فرمود: تفسیر باطنی آن این است که هر قرنی از این امت، فرستاده‌ای از آل محمد دارد که به سوی مردم آن قرن فرستاده شده است. آنان اولیاء هستند و آنان فرستادگان هستند. اما سخن خداوند: ((پس چون فرستاده‌شان بیاید، میان‌شان به عدالت داوری شود)) معنای آن این است که فرستادگان با عدل قضاوت می‌کنند و همان‌طور که خداوند فرمود، ستم نمی‌کنند.

[440]. سنن ابی داود: ج 2 ص 311؛ المستدرک - الحاکم: ج 4 ص 522؛ المعجم الأوسط - الطبرانی: ج 6 ص 324؛ الجامع الصغیر - السیوطی: ج 1 ص 282 برقم 1845؛ کنز العمال - المتقی الهندی: ج 12 ص 193 برقم 34623؛ کشف الخفاء - العجلونی: ج 1 ص 243 برقم 740، وقال عنه: "رواه أبو داود عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، وأخرجه الطبراني في الأوسط عنه أيضاً بسند رجاله ثقات، وأخرجه الحاکم من حديث ابن وهب وصححه، وقد اعتمد الأئمة هذا الحديث؛" المقاصد الحسنة - السخاوي، تصحيح وتعليق عبد الله محمد الصديق، دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان، ط 1، 1979م، ص 121 - 122 برقم 238، وقال عنه: "وقد أخرجه الطبراني في الأوسط كالأول وسنده صحيح، ورجاله كلهم ثقات؛" مختصر المقاصد - الزرقاني، تحقيق محمد بن لطفی الصباغ، بيروت، ط 4، المكتب الإسلامي، 1989م، ص 87 برقم 215، وقال عنه: "صحيح؛" السلسلة الصحيحة - الألباني: ج 2 ص 148 برقم 599، وقال عنه: "والسند صحيح؛ رجاله ثقات رجال مسلم".

[441]. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۱۱؛ مستدرک، حاکم: ج ۴، ص ۵۵۲؛ معجم الاوسط، طبرانی، ج ۶، ص ۳۲۴؛ جامع الصغیر، سیوطی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۲، ص ۱۹۳؛ ح ۳۴۶۲۳؛ کشف الخفاء، عجلونی، ج ۱ ص ۲۴۳، ح ۷۴۰ و در مورد آن می‌گوید: «ابوداود آن را از ابوهریره از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت کرده است و طبرانی آن را از او با سندش از ثقه‌ها آورده است و حاکم آن را از حدیث ابن وهب آورده است و آن را تصحیح کرده است و امامان به این حدیث اعتماد کردند». مقاصد الحسنة، سخاوی، تصحیح و تعلیق عبد الله محمد صديق، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ط ۱، ۱۹۷۹م، ص ۱۲۱ تا ۱۲۲، ح ۲۳۸ و در مورد آن می‌گوید: «طبرانی آن را در اوسط مانند اولی آورده است و سندش صحیح است و همه‌ی رجالش ثقه هستند». مختصر المقاصد، زرقانی، تحقیق محمد بن لطفی صباغ، بیروت، ط ۴، مکتب اسلامی، ۱۹۸۹م، ص ۸۷، ح ۲۱۵ و در مورد آن می‌گوید: «صحيح است». سلسله الصحيحة، ألبانی، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۹۹ و در مورد آن گفته است: «سندش صحیح است و رجالش ثقه هستند و رجال مسلم هستند».